

دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تحصیلی:

## فلسفه و حکمت اسلامی

موضوع:

بیان اقوال در

# علم باری

و

بررسی نظریه ملاصدرا

به راهنمایی استاد علامه فیلسوف گرانقدر:

جناب آقای سید جلال الدین آشتیانی

و مشاوره استاد ارجمند:

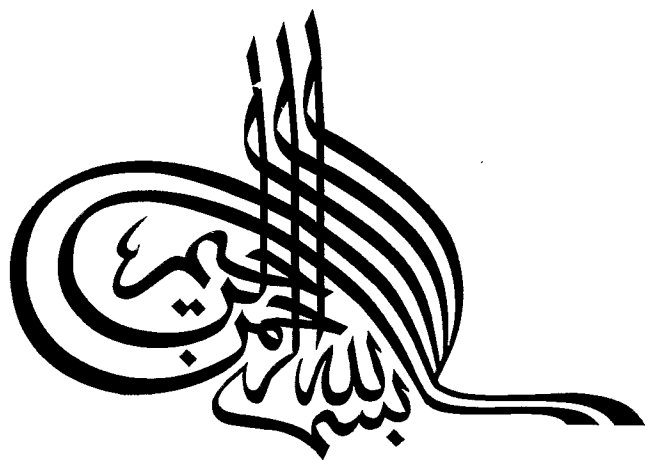
جناب آقای دکتر عزیزالله فیاض صابری

تهیه و تدوین:

طاهره کمالیزاده

۳۱۲۴/۲

زمستان ۷۵





## الهدى لاهب العقل والوصية

❁ با شکر و سپاس به درگاه حضرت حق که هستی و وجودم بخشید و سرمایه گرانقدر «عمر» را در اختیارم نهاد و در لحظه لحظه زندگی «الطاف» خاص و «رحمت» بی پایانش را شامل حالم فرمود امید دارم که توفیق بندگی درگاه احدیتش را «روزیم» گردانم.

❁ و با تشکر و قدردانی از همه معلم‌های خوب و صمیمی و عزیزم که خرمن اندوخته امروز را مدیون «بدر» تلاش و «بذل» محبت بی دریغ آن عزیزانم.

❁ و بخصوص همه معلمین و اساتید، دلسوز، بامحبت و عالم و فرزانه که در دوران دبیرستان و دوره کارشناسی در «مدرسه عالی شهید مطهری» توفیق آن داشتم که در محضر لطف، صفا و صمیمیت و ایمان و تقوا و علم و دانش آنها، خوشه چین خرمن محبت و ایمان و علمشان باشم.

❁ همه آنهایی که شرمندهام بگویم این «دژه» همه‌اش تقدیم به آنها.

❁ و با تشکر و سپاس فراوان از مادر و پدر دلسوز و فداکارم که رنج و سختی تمام سالهای تحصیلی مرا متحمل شدند و تمام موفقیت‌های زندگی را مدیون آنهایم.

## و با تشکر و قدر دانی فراوان:

❁ از محضر مبارک استاد راهنما، سیدالحکماء المتألهین، فیلسوف بارع، حضرت استاد جناب آقای سید جلال الدین آشتیانی دامه برکاته علی رؤوس المتعلمین

❁ و محضر محترم استاد مشاور، حکیم متاله و فیلسوف ربانی، استاد گرانقدر جناب آقای عزیز الله فیاض صابری که آنچه از حکمت و فلسفه می دانم مرهون تلاش و محبت بی دریغ و پدرانۀ ایشان هستم.

❁ و با تشکر از همه دوستانی که در تمام سالهای تحصیل و بخصوص در تهیه و تدوین این «رساله» یاری ام دادند.

❁ و از پیشگاه ایزد منان برای همه این عزیزان و بخصوص این دو استاد بزرگوار آرزوی طول عمر و صحت و سلامت دارم.



## این اندک اگر قابل باشد «تقدیم» می‌دارم به :

پیشگاه قدس رضوی حضرت علی بن موسی الرضا علیه  
آلاف التَّحیة و الثَّناء که در ایام سخت و دشوار تحصیل و یا لحظات  
خوب و شیرین موفقیت‌های تحصیلی، حریم قدس ملکوتی اش  
تنها ملجأ امن و آرام بخش قلب شیفته و سرگردانم بود.



## تقدیم با :

پیشگاه مقدس آقا امام زمان ولی عصر (عج)

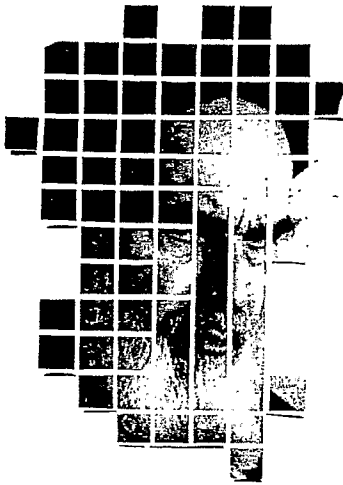
که توسل به جبل متین «امامتش»

و استمداد از قدرت تکوینی «ولایتش» تنها روزنه امید

به موفقیت و یگانه راه نیل به کمالات والای

انسانیت است.





## تقدیم با :

روح بلند، روح خدا، امام عارفان و عاشقان، پیشوای عاشورائیان و حسینیان و مقتدای آزاده‌گان و آزادمردان جهان  
به باغبان پیر انقلاب که ایوان کوچکش در جماران، طاق بلند هرچه ستم را شکافت و سایه‌بان دل‌های پریشان و بی‌پناهی بود که اگر نبود، معلوم نبود به کجا می‌رفتیم و چه می‌شدیم؟  
به «خمینی عزیز» به زیباترین واژه‌ای که در صدهای اخیر، تاریخ در خود جستجو کرده است.

فقیهی در قلّه بلند اجتهاد پویای اسلامی،  
فیلسوفی متأله و حکیمی الهی،  
زاهد از دنیا رسته‌ای در اعماق وادی پر راز و رمز سلوک عملی.  
روشن‌بینی آزاداندیش و ستیزنده بر زهد ریائی پارسانمایان دین‌فروش و برافروخته از مقدس مآبی متنسکان کج‌اندیش،  
عالمی عابد و متعبد اهل راز،  
معاداندیشی که لحظه‌ای از غم معاش مردم نمی‌آساید،  
و سیاستمداری هوشیار و منادی ارتباط وثیق میان دین و سیاست،  
منادی «توحید» و ادامه‌دهنده رسالت سنگین «پیامبر» و راهگشای به‌سوی «معاد» و احیاءگر «عدل» و مرجع و جانشین «امامت» در زمان غیبت وجود معصوم علیه‌السلام،  
«امام خمینی» که احیاءگر اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و از مرزبانان توانای عقیده و عقلانیت دینی، نگاهبان بزرگ دین و زنده نگاهدارنده اصول و ارزشهای اسلامی و مدافع آنها در برابر تندباد شبهه‌ها و طوفان تردیدها.

تقدیم به امام شهیدان



## تقدیم با :

همه فرزندان شهیدش، به همه شهدا که شمع محفل بشریت‌اند، به بسیجیان عاشقی که اسماعیل‌وار به قربانگاه آزمایش شتافتند و «عاشقانه» به میدان جهاد رفتند. تا «ایمان» نرود، «عاشقانه» سوختند تا با کفر «نسازند»،

و «عاشقانه» جان باختند تا «چراغ توحید» نمیرد، و در اوج بخشندگی حاتم‌وار به ایثار خونشان نشستند تا درخت انقلاب ایستاده بماند. ... آنها که در تهجد عاشقانه‌شان چنان با مقام احدیت حضرت حق پیوند خوردند که بی‌هیچ «استدلالی» نه تنها «علم باری» و نه فقط اعتقاد به اوصاف حضرتش را که «حضور او» را برای این نسل به ارمغان آوردند.

... آنها که با نوشیدن جام «شهادت» آموزگار «سعادت» و «شجاعت» شدند و با خون سرخشان چراغ سرخ ولایت را در کویر تاریک و ظلمانی «مادیت» دنیای امروزی روشنایی دوباره بخشیدند. باشد که پاسدار حرمت خون شهیدان باشیم. و بالأخص از تبار این کاروان سرخ، تقدیم به مرتضی مرام مطهر ضمیری که ثمره حیات امام بود.





## تقدیم با :

**فرزند عزیز و پاره تن امام ...**

متفکر عظیم الشان، فیلسوف و حکیم متأله و فقیه عالی مقام و عارف و

سالک إلى الله

**«استاد شهید مرتضی مطهری»**

به او که «نادره زمان ما بود» و «استوانه انقلاب» ...

به «استاد مطهری» که سراسر عمرش را در معنویت و تقوا و در مبارزه

با کژیها و ناراستیهای تفکرات الحادی و التقاطی گذراند.

تقدیم به روح مطهرش که مطهر اندیشهها بود. ❁

# تقدیم به :

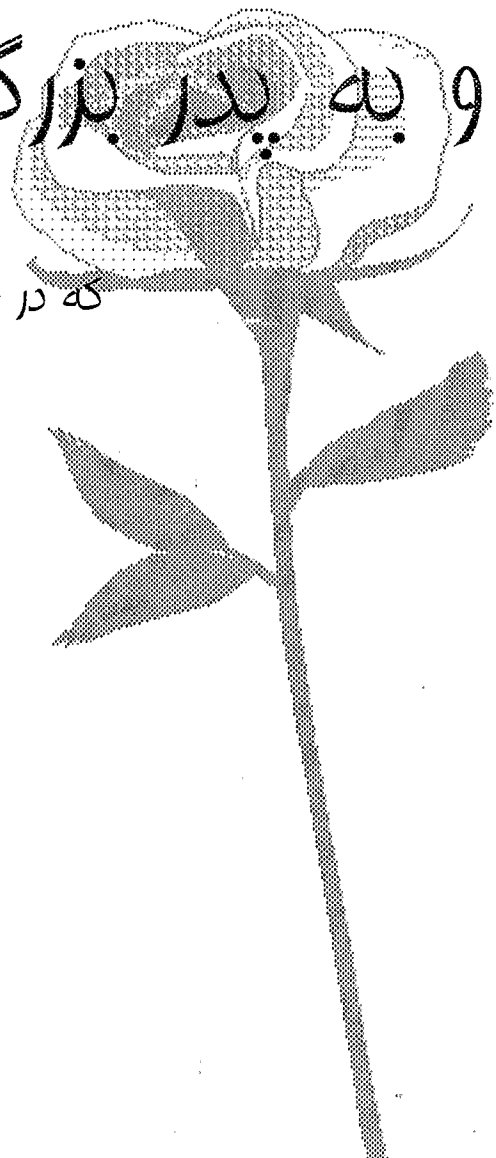
مادر عزیزم :

و به پدر بزرگوارم

که در طول سالهای تفصیلی ام

یگانه مشوق و تنها

پشتوانه زندگی بود



## فهرست مطالب

مقدمه

|    |   |       |
|----|---|-------|
| ۱  | صفات واجب تعالی و اقسام آن                          | فصل ۱ |
| ۲  | امر اول : صفت، اسم و ذات و بیان فرق آن              |       |
| ۲  | - صفت، اسم و ذات در لغت                             |       |
| ۲  | - و در نحو  |       |
| ۳  | - و در اصطلاح متکلمین                               |       |
| ۵  | - و در اصطلاح حکما                                  |       |
| ۷  | امر دوم : فرق مشتق در واجب و در غیر واجب            |       |
| ۷  | امر سوم : اقسام صفات واجب                           |       |
| ۸  | - اقسام ۱ : صفات ثبوتی و سلبی                       |       |
| ۹  | - اقسام ۲ : صفات حقیقی و اضافی                      |       |
| ۱۱ | صفات ذاتی و صفات فعلی                               |       |
| ۱۳ | - اقسام ۳ : صفات حقیقیّه محضه و حقیقیّه ذات الاضافه |       |
| ۱۴ | صفات سلبی و اضافی عین ذات نیستند                    |       |
| ۱۵ | صفات ذات و عینیت آنها با ذات                        |       |
| ۲۳ | تحقیق صدرالمتألهین در مسأله عینیت صفات با ذات       |       |
| ۲۴ | ماهیت علم   | فصل ۲ |
| ۲۵ | مطلب اول : تعریف علم                                |       |
| ۲۷ | مطلب دوم : ماهیت علم                                |       |
| ۲۹ | مطلب سوم : علم مقول به تشکیک است                    |       |

|    |   |       |
|----|---|-------|
| ۳۱ | بیان اقسام علم  | فصل ۳ |
| ۳۲ | انقسام اول : علم حضوری و علم حصولی  |       |
| ۳۲ | بحث ۱ : بیان علم حضوری و حصولی  |       |
| ۳۳ | تفاوت بین علم حضوری و حصولی   |       |
| ۳۴ | بحث ۲ : مطلب ۱ ، اثبات علم حصولی  |       |
| ۳۶ | بحث ۳ : بیان موارد علم حضوری  |       |
| ۳۸ | انقسام دوم : تصور و تصدیق   |       |
|    | انقسام سوم : تقسیم علم حصولی به علم کلی و جزئی یا علم حصولی به نحو کلی و جزئی |       |
| ۳۹ |   |       |
| ۴۲ | انقسام چهارم : تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری                                |       |
| ۴۲ | انقسام پنجم : علم فعلی و انفعالی  |       |
| ۴۵ | انقسام ششم : علم بالقوه و بالفعل یا تفصیلی و اجمالی بسیط                      |       |
| ۴۸ | تفاوت بحث وجود ذهنی و بحث علم   | فصل ۴ |
| ۵۱ | اتحاد عقل و عاقل و معقول  | فصل ۵ |
| ۵۴ | صعوبت مسأله علم باری  | فصل ۶ |
| ۵۸ | بیان اجمالی اقوال در علم واجب   | فصل ۷ |
| ۶۷ | بیان تفصیلی اقوال در علم واجب تعالی   | فصل ۸ |
| ۶۸ | بحث ۱ : در علم حق تعالی به ذات خویش   |       |
| ۷۰ | بیان متکلمین در علم حق تعالی به ذات   |       |
| ۷۲ | اثبات علم به ذات بر مسلک فلاسفه اشراق   |       |
| ۷۶ | اثبات علم به ذات بر مسلک مشاء   |       |
| ۷۸ | بیان نظریه ملاصدرا در علم حق تعالی به ذات خویش                                |       |

|     |   |
|-----|---|
| ۸۶  | بیان قول گروه دوم از منکرین علم باری تعالی        |
| ۸۷  | بحث ۲ : در علم حق تعالی به اشیاء                  |
| ۸۸  | - اثبات علم واجب تعالی به اشیاء                   |
| ۸۹  | - بیان استدلال متکلمین در اثبات علم واجب به ماسوا |
| ۹۳  | - نقد نظر متکلمین                                 |
| ۹۴  | - بیان استدلال حکما بر علم حق تعالی به ماسوا      |
|     |   |
| ۹۹  | فصل ۹ علم حق تعالی غیرمتناهی است                  |
|     |   |
| ۱۰۳ | فصل ۱۰ علم حق تعالی به جزئیات                     |
|     |   |
| ۱۰۴ | بیان قول پنجم از منکرین علم واجب                  |
| ۱۰۶ | علم حق تعالی به جزئیات متغیر به طریقه حکما، مشاد  |
| ۱۱۴ | بیان نظر صدرالمقالبین در علم واجب تعالی به جزئیات |
|     |   |
| ۱۱۸ | فصل ۱۱ حق تعالی عالم به کل است                    |
|     |   |
| ۱۲۱ | فصل ۱۲ علم خدا در نهج البلاغه                     |
| ۱۲۲ | در علم خدا به جزئیات                              |
| ۱۲۴ | در تقدّم علم خدا به اشیاء                         |
| ۱۲۵ | در عموم علم خدا                                   |
|     |   |
| ۱۲۶ | فصل ۱۳ بیان اقوال در علم واجب تعالی به اشیاء      |
|     |   |
| ۱۲۷ | قول اوّل : مذهب اهل اعتزال                        |
| ۱۲۹ | اشکال سخن معتزله و رد آن                          |
| ۱۳۰ | قول دوّم : مذهب اهل تصوّف                         |
| ۱۳۱ | ردّ قول صوفیه و بیان نظر ملاصدرا                  |
| ۱۳۲ | نقل اقوال عرفا در علم باری تعالی                  |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۳۷ | ..... بیان طریقه محققان از صوفیه در علم حق تعالی                                       |
| ۱۳۸ | ..... بیان اشکال نظریه عرفا  |
| ۱۳۸ | ..... نظر استاد آشتیانی در مورد مسلک عرفا  |
| ۱۳۹ | ..... نظر صدرالمتألهین درباره مراد حقیقی عرفا در علم حق تعالی به اشیاء قبل از ایجاد    |
| ۱۴۱ | ..... قول سؤم : قول افلاطونیان در علم واجب تعالی                                       |
| ۱۴۲ | ..... ردّ این قول  |
| ۱۴۴ | ..... قول چهارم : قول شیخ اشراق و اتباع او   |
| ۱۴۴ | ..... امر اول : تقریر سخن شیخ اشراق در علم باری  |
| ۱۴۹ | ..... امر دوم : نظر صدرالمتألهین درباره رأی شیخ اشراق (ره)                             |
| ۱۵۰ | ..... امر سؤم : تفاوت رأی شیخ اشراق با افلاطونیان و مشائیان در مسأله علم واجب به ماسوا |
| ۱۵۱ | ..... بیان اشکال ملاصدرا بر نظریه اشراق  |
| ۱۵۳ | ..... قول پنجم : نظریه تالیس ملطی و محقق طوسی  |
| ۳۵۳ | ..... بیان نظریه محقق طوسی   |
| ۱۵۴ | ..... بیان ایرادات ملاصدرا بر این قول  |
| ۱۵۹ | ..... قول ششم : قول بارتسام صور اشیاء در ذات حق تعالی                                  |
| ۱۶۰ | ..... بیان صدرالمتألهین از قول مشاء در نسبت خالق و مخلوق                               |
| ۱۶۱ | ..... تبیین مشائین از علم ازلی واجب  |
| ۱۶۸ | ..... معقولات با واسطه و بی واسطه واجب تعالی   |
| ۱۷۱ | ..... خلاصه نظر شیخ درباره علم تفصیلی واجب به غیرخود                                   |
| ۱۷۳ | ..... بررسی اشکالات و اعترافات وارده بر نظریه مشاء از جانب حکماء متأخر                 |
| ۱۷۴ | ..... بیان اشکالات شیخ اشراق بر نظریه مشاء   |
| ۱۷۵ | ..... نقد صدرالمتألهین در سخنان شیخ اشراق  |
| ۱۸۸ | ..... نظر صدرالمتألهین درباره رأی مشائین   |
| ۱۹۱ | ..... بیان اشکالات ملاصدرا بر نظریه ارتسام صور   |
| ۱۹۵ | ..... طریقه صدرالمتألهین در جمع آراء   |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۹۶ | قول هفتم : قول اتحاد عاقل به معقول                      |
| ۱۹۷ | قول هشتم : علم واجب تعالی عین ذات و اجمالی به کلّ اشياء |
| ۱۹۸ | بیان اول در نحوه علم واجب به ماعدا                      |
| ۱۹۸ | بیان دوم : نقد صدرالمتألهین بر بیان اول                 |
| ۱۹۹ | نقد صدرالمتألهین بر بیان دوم                            |
| ۲۰۰ | دو اشکال اساسی بر بیان دوم                              |
| ۲۰۱ | قول نهم : علم واجب تفصیلی به بعض و اجمالی به بعض اشياء  |
| ۲۰۲ | اشکالات وارده بر این قول                                |

#### فصل ۱۴ بررسی نظریه حکیم الهی و فیلسوف متأله صدرالمتألهین ۲۰۴

|     |  |
|-----|--|
| ۲۰۶ | تفاوت نظر صدرالمتألهین در علم واجب با نظریه سایر حکما              |
| ۲۰۸ | دو منهج برای اثبات علم تفصیلی واجب تعالی                           |
| ۲۰۹ | بیان اختلاف دو منهج عارف و حکیم                                    |
| ۲۱۰ | بیان منهج اول :  |
|     | - اصل اول : یک هویت وجودی بسیط می تواند در مقام ذات خود واجد معانی |
| ۲۱۰ | کثیره باشد   |
| ۲۱۴ | - اصل دوم : تشکیک و اشتداد در مراتب وجود                           |
| ۲۱۵ | - اصل سوم : هیچیک از معانی کثیره به شخصه در فصل حضور ندارد         |
| ۲۱۶ | - اصل چهارم : معطی کمالات واجد حدّ اعلی و اشرف کمالات است          |
| ۲۱۷ | بیان قاعده بسیط الحقیقه  |
| ۲۲۵ | - اثبات علم واجب به ماعدا از راه قاعده بسیط الحقیقه کلّ الاشياء    |
| ۲۲۶ | - علم اجمالی در عین کشف تفصیلی                                     |
| ۲۲۷ | - اثبات علم تفصیلی واجب در مقام ذات از راه اطلاق ذاتی              |
| ۲۲۹ | بیان منهج دوم :  |
| ۲۲۹ | - بیان اصولی که برای بیان نظریه عرفا لازم است                      |
| ۲۳۱ | - ذات واجب تعالی منشأ انتزاع همه اسماء کلیه و فرعیه است            |